Vol. 13 | No. 3455 | Sat. Nov 7. 2026 | شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۵۵ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

معیشت مردم
در انتظار بودجه ۱۴۰۶

اقتصاد ایران با چه چشم‌اندازی وارد سال آینده می‌شود؟

صفحه ۲

شواهد فنی از توقف انتقال داده‌ها با وجود برقراری ارتباط اولیه خبر می‌دهند

اختلال اینترنت در لایه‌ای پنهان‌تر

صفحه ۶

«تعادل» از دلارهای نفتی در چرخ‌دنده‌های پالایش گزارش می‌دهد

برندگان پنهان آشوب انرژی!

گلناز پرتوی‌مهر | هر بشکه نفتی که در پالایشگاه‌های امریکا به گازوییل و بنزین تبدیل می‌شود، این روزها دو صورت‌حساب متفاوت دارد؛ یکی برای راننده‌ای که پای پمپ بنزین ایستاده و دیگری برای سهامداری که صورت‌های مالی پایان فصل را ورق می‌زند. در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۶، اکسون‌موبیل و شورون روی هم ۲۷.۹ میلیارد دلار سود ثبت کردند؛ رقمی که به‌زبان ساده‌تر، روزی حدود ۳۰۳ میلیون دلار است. این درآمد در فصلی به دست آمد که قیمت گازوییل در امریکا رکورد تاریخی زد و خانوارها برای پر کردن باک خودروی خود عمیقاً دست در جیب می‌کنند. فاصله میان این دو عدد، تصویر واقعی بحران انرژی امروز است؛ بحرانی که برای...

صفحه ۳ را بخوانید



«تعادل» در یادداشتی سفر محسن رضایی را به مسکو بررسی می‌کند

پیام رهبر به پوتین

دیپلماسی در لحظه بحران و افق‌های تنش‌زدایی



حسن هانی‌زاده

سفر سه ساعته دبیر شورای عالی امنیت ملی به مسکو و دیدار با ولادیمیر پوتین، در پس لرزه‌های شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات کنگره امریکا، نشانه‌ای روشن از تحرکی تازه در دیپلماسی منطقه‌ای است. چین، روسیه و قطر در پی مهار تنش‌ها و جلوگیری از بروز جنگی تازه‌اند؛ فضایی که به‌رغم سایه تهدیدها، راه بازگشت به میز مذاکره را هموارتر ساخته و موازنه را تا حدودی دگرگون کرده است. در پس لرزه‌های شکست دونالد ترامپ و حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ایالات متحده، معادلات امنیتی و دیپلماتیک خاورمیانه و جهان دستخوش دگرگونی‌هایی بنیادین شده است.

در این میان، سفر سردار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به مسکو و دیدار فشرده و سه ساعته ایشان با ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، یک تحرک کاملا دقیق دیپلماتیک و حساب‌شده ارزیابی می‌شود که سرآغاز فصلی نو در بازی شطرنج سیاسی منطقه است. این تحرک دیپلماتیک در شرایطی صورت می‌گیرد که ایالات متحده طی ماه‌های اخیر یک سلسله از تهدیدات گسترده و همه‌جانبه را علیه ایران طراحی و پیگیری کرده بود. با این حال، پس از ناکامی حزب جمهوری‌خواه در عرصه داخلی امریکا و تغییر موازنه در شاکله کنگره، شرایط کنونی به کلی دستخوش تغییر شده است. در این پازل تازه، سه کشور چین، روسیه و قطر بازیگرانی هستند که تمام توان و تلاش دیپلماتیک خود را به کار گرفته‌اند تا از وقوع و اشتعال یک جنگ جدید و خانمان‌سوز میان ایران و ایالات متحده جلوگیری به عمل آورند.

پشتیبانی صریح ولادیمیر پوتین از سیاست‌ها و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در تقابل با فشارهای واشنگتن، در کنار سفرهای اخیر و مکرر مقامات قطری به تهران و همچنین مواضع رسمی پکن درباره نقش اثرگذار و تسهیل کننده‌ای که چین می‌تواند در مسیر حل‌وفصل اصطکاک‌های ایران و امریکا ایفا کند، موید یک حقیقت اساسی است؛ اینکه گزینه‌ها و راه‌حل‌های سیاسی از شانس بسیار بالایی برای نتیجه‌بخشی برخوردار شده‌اند و اراده بین‌المللی بر دیپلماسی قرار گرفته است.

بر همین اساس، سفر محسن رضایی به مسکو را باید در این چارچوب کلان و راهبردی مورد واکاوی قرار داد. برخلاف پاره‌ای از گمانه‌زنی‌های تندروانه و موج‌سواری‌های تبلیغاتی که ادعا می‌کردند امریکا به زودی وارد فاز تهاجم مستقیم و حمله نظامی علیه ایران خواهد شد، در حال حاضر ابتکارات دیپلماتیک دو قدرت بزرگ جهانی یعنی مسکو و پکن برای تنش‌زدایی و کاهش اصطکاک‌ها کاملا پررنگ‌تر و تعیین‌کننده‌تر شده است. این تحولات نشان می‌دهد که برخلاف ادعاهای گذشته، فضا برای بازگشت به میز مذاکره و پیشبرد گفت‌وگوها میان ایران و ایالات متحده تا حدود زیادی هموار شده است. از سوی دیگر، ترکیب جدید کنگره امریکا دست‌های دونالد ترامپ را به شکل چشمگیری بسته است. با توجه به این ساختار جدید نظارتی و قانونگذاری، امکان اینکه دولت واشنگتن بتواند بدون اجازه یا رجوع به کنگره دست به آغاز یک عملیات نظامی تازه علیه ایران بزند، به شدت کاهش یافته است. در نتیجه این متغیرهای همپوشان، ناگزیر باید منتظر روزهای آینده باقی ماند تا پیامدها، دستاوردها و نتایج واقعی سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به مسکو در اتمسفر سیاسی و تقابل میان ایران و امریکا خود را به شکلی ملموس آشکار سازد. در شرایط کنونی که به نظر می‌رسد موازنه منطقه‌ای و بین‌المللی تا حدودی به سمت منافع ایران متمایل شده است، این پرسش محوری خودنمایی می‌کند که مناسب‌ترین و بهینه‌ترین راهبرد برای جمهوری اسلامی چه خواهد بود تا بتواند هم مناقشات منطقه‌ای را مدیریت کند و هم به حل‌وفصل بنیادین چالش‌های اساسی خود بپردازد؟ در پاسخ به این پرسش باید تاکید کرد که در بعد داخلی، کلید طلایی عبور از این برهه، حفظ وحدت ملی و استمرار حضور مردم در صحنه و اجتماع است که در ۲۵۰ روز اخیر تبلور یافته است. این سرمایه اجتماعی در صورتی حفظ خواهد شد که مسوولان به صورت همزمان توجهی واقعی، ملموس و عاجل به وضع معیشتی، مطالبات اقتصادی اقشار مختلف جامعه و تحکیم انسجام ملی داشته باشند. در عرصه دفاعی و بازدارندگی نیز حفظ هوشیاری و آماده‌باش مستمر، پیوسته و همه‌جانبه نیروهای مسلح ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا در تقابل با فشارهای هژمونیک امریکا و هر سناریوی احتمالی پیش‌بینی‌نشده، توان پاسخگویی قاطع کشور محفوظ بماند.

به‌همین جهت، در شرایط حساس کنونی، حفظ انسجام کامل، هم‌افزایی همه‌جانبه و هماهنگی عمیق میان آحاد ملت ایران، نیروهای مسلح و ارکان تصمیم‌گیرنده دولت، امری حیاتی، اثربخش و فوق‌العاده ضروری است تا منافع راهبردی کشور در عبور از این بزنگاه به‌طور کامل تامین شود.

یادداشت-۱

زمستان، انرژی بربادرفته و راهکارهای ناگزیر



حسن مرادی

معضل کمبود گاز که این روزها به یکی از چالش‌های اصلی و بحرانی کشور بدل شده، ریشه‌ای عمیق‌تر از ناترازی‌های مقطعی دارد. واقعیت این است که اقتصاد انرژی ایران پیش از این نیز با کمبود گاز روبه‌رو بود، اما پس از مناقشات و جنگ‌های اخیر ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و آسیب‌های وارده به زیرساخت‌های حیاتی این حوزه، این شکاف عمیق‌تر و خود را بیشتر نمایان کرده‌است. جنگ اصولا خسارت‌بار است و یکی از اهداف راهبردی دشمن در این مخاصمات، نابودی و آسیب به زیرساخت‌های انرژی کشورهاست؛ چرا که انرژی به شکل مستقیم و گسسته‌ناپذیری با زندگی روزمره و معیشت مردم گره خورده است. با این حال، بخش عمده‌ای از این ناترازی نه در بیرون مرزها، بلکه در درون مرزهای مصرف ما ریشه دارد. متأسفانه الگوی مصرف انرژی در ایران، یکی از پراتلاف‌ترین و بدترین الگوها در سراسر جهان است. این یک ادعای گزاف یا برخاسته از نگاهی کم‌اطلاع نیست؛ به‌عنوان کسی که به ۵۴ کشور دنیا سفر کرده و بیش از یک دهه در اروپا زیسته است، با اطمینان می‌گویم که جمعیت ایران تقریباً با انگلستان برابری می‌کند، اما میزان مصرف گاز ما چهار تا پنج برابر این کشور اروپایی است. چه اتفاقی افتاده که چنین فاصله‌ای میان ما و استانداردهای جهانی شکل گرفته است؟ پاسخ در ساختار فرسوده و غیراصولی منازل و بناهای مانهفته است؛ ساخت‌وسازهایی که چه در روستاها و چه در کلانشهرها، فرسنگ‌ها با الگوی ایده‌آل فاصله دارند. امروز در حاشیه کلانشهرها، شهرک‌ها و حتی مناطق حاشیه‌ای تهران، هزاران هزار بلکه میلیون‌ها واحد مسکونی وجود دارد که از ابتدایی‌ترین اصول ایزولاسیون محروم‌اند. مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان به‌صراحت استانداردهای عایق‌کاری را توضیح داده است، اما نه تنها اثری از این استانداردها در ساخت‌وسازهای «بساز و بفروش» و املاک خودساز مالکان دیده نمی‌شود، بلکه وضعیت در و پنجره‌ها به یک فاجعه ملی شباهت دارد؛ در و پنجره‌هایی که فاقد شیشه‌های دوجداره یا سه‌جداره‌اند و مبدل به دالان‌های فرار گرما و نفوذ سرما شده‌اند. این فاجعه‌ای است که سال‌هاست فریادش را می‌زنم، اما شبانه‌روز کسی گوش به این هشدارها نمی‌دهد. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، رییس جمهور و وزیر وقت نفت اعلام کردند که کشور دارای ۲۲ میلیون بخاری غیر استاندارد است؛ امروز اما به ضرس قاطع می‌گویم که آن ۲۲ میلیون دستگاه به ۲۵ میلیون رسیده است. هر کدام از این ۲۵ میلیون بخاری غیر استاندارد، حجمی سرسام‌آور از گاز را می‌بلعند (حتی معادل مصرف دو پکیج برای گرمایش یک منزل) و بخش عمده‌ای از انرژی حرارتی را از طریق یک لوله ۱۰ یا ۱۵ سانتی‌متری به هوا می‌فرستند. در کمتر نقطه‌ای از جهان چنین تکنولوژی پراتلافی رواج دارد. در آن سال‌ها دولت قول داد با ساز و کار شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت، این بخاری‌ها را جمع‌آوری و تبدیل کند؛ اما اخیرا وقتی در تابستان گذشته از خود سازمان بهینه‌سازی پرسیدم کارنامه شما در این حوزه چه بوده است، با کمال تعجب پاسخ دادند: «ما اساسا بنا نداریم به شما جواب بدهیم!» و در نهایت با خونسردی اعلام کردند تنها ۱۱ هزار دستگاه ساخته‌ایم که کسی از ما نخرید و آنها را به آموزش و پرورش تحویل دادیم! بنابراین، وجود ۲۵ میلیون بخاری غیر استاندارد یکی از شاه‌بیت‌های اصلی مشکلات انرژی کشور است. در کنار این حجم از بخاری‌های پرمصرف، شوفاژخانه‌های غیر استاندارد نیز سهم بزرگی در هدررفت انرژی دارند. شاید بتوان گفت ۳۰ تا ۵۰ درصد ساختمان‌های به ظاهر آپارتمانی کشور دارای موتورخانه‌های غیر استاندارد هستند که به همراه پنجره‌های باز و دیوارهای بدون عایق، پرت شدید گرمایی تولید می‌کنند. تا زمانی که چنین الگوی مصرف و زیرساخت‌های فرسوده داریم، کمبود گاز و بحران در زمستان امری طبیعی است. اگر هشدار داده می‌شود که زمستان سختی در پیش داریم، از همین امروز باید به فکر چاره بود. شاید این سخن عجیب به نظر برسد، اما به عنوان یک کارشناس حوزه انرژی می‌گویم؛ در شهرهای شمالی کشور که مردم دسترسی بیشتری به منابع طبیعی دارند، از همین جا باید با هرس اصولی درختان (و نه قطع آنها) نسبت به تهیه هیزم اقدام کنند. کارگاه‌های تولید زغال باید دست‌به‌کار شوند. در دوران کودکی ما در استان مرکزی و نوجوانی در تهران، کرسی وسیله رایج گرمایش خانه‌ها بود. اگر با بحران جدی انرژی روبه‌رو شویم، آیا چاره‌ای جز روی آوردن مجدد به کرسی داریم؟ در زیر کرسی، یک اجاق برقی کوچک یا حتی یک لامپ ۵۰۰ واتی قدیمی به راحتی می‌توانست اعضای خانواده را گرم کند. اگر می‌خواهیم در برابر چالش‌های پیش‌رو و فشارهای دشمنان بایستیم، ولو برای یک یا دو سال، باید کرسی‌های سنتی را احیا کنیم؛ راهکاری ساده، کم‌هزینه و کارآمد که البته نیازمند برنامه‌ریزی از همین امروز برای تهیه زغال و وسایل گرمایشی جایگزین است.

ادامه در صفحه ۳

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

بورس در لبه تغییر مسیر

بازار سهام با زمهم نتوانست بازدهی هفتگی قابل توجهی از خود برجای بگذارد و طی معاملات هفته اخیر شاهد روند نسبتاً اصلاحی در این بازار بودیم. البته ریسک‌ها و شرایط موجود دست‌به‌دست یکدیگر داده‌اند تا بازار سرمایه نتواند شرایط خوبی را تجربه کند و به نوعی هر روز با ورود نقدینگی همراه نباشد و تا زمانی که سایه این ریسک‌ها از روی بورس برداشته نشود بازار همچنان با روند اصلاحی...

صفحه ۴ را بخوانید

مقررات‌گذاری بدون مشارکت بخش خصوصی ادامه دارد

فاصله قانون تا اجرا

تعادل | پایش مقررات با هدف افزایش شفافیت در فرآیند وضع قوانین، سنجش میزان پایبندی دستگاه‌ها به الزامات قانونی و فراهم کردن فرصت مشارکت بخش خصوصی، از ابزارهای مهم بهبود ثبات و پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار است. اهمیت این پایش زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم از مجموع ۱۰۴ مقرره مشمول بررسی در دو ماه مرداد و شهریور ۱۴۰۵، تنها ۱۷ مورد، معادل ۱۶.۳ درصد، با انتشار پیش‌نویس همراه بوده‌اند و ۸۷ مورد، معادل ۸۳.۷ درصد، بدون انتشار پیش‌نویس شناسایی شده‌اند. هرچند سهم انتشار پیش‌نویس از ۱۲.۵ درصد در مرداد به ۱۹.۶ درصد در شهریور افزایش یافته، اما همچنان بیش از چهارپنجم مقررات مشمول بررسی بدون انتشار پیش‌نویس بوده‌اند؛ آماری که ضرورت تداوم پایش و پیگیری جدی‌تر اجرای الزامات قانونی را نشان می‌دهد. پیش‌بینی‌پذیری و ثبات محیط کسب‌وکار، تنها به سیاست‌های اقتصادی و شرایط بازار وابسته نیست، بلکه کیفیت مقررات‌گذاری و نحوه تصمیم‌گیری...

صفحه ۷ را بخوانید

یادداشت-۲

بورس زیر سایه تصمیمات دولت



محمد خبری‌زاد

بازار سرمایه برای جذب نقدینگی و تبدیل شدن به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری، بیش از هر چیز به اعتماد، اطمینان و ثبات در سیاستگذاری نیاز دارد. سرمایه‌گذاران زمانی حاضر می‌شوند منابع مالی خود را وارد یک صنعت یا شرکت کنند که نسبت به تداوم قوانین و مقررات اطمینان داشته باشند و نگران تغییر ناگهانی دستورالعمل‌ها و تصمیماتی که می‌تواند سودآوری شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار دهد، نباشند. با این حال، تجربه سال‌های اخیر بازار سرمایه نشان می‌دهد که تغییرات مکرر سیاستگذاری و مداخلات دولت در سازوکار فعالیت شرکت‌ها، به یکی از مهم‌ترین موانع ورود نقدینگی به بورس تبدیل شده است.

در بازارهای مالی دنیا، جریان سرمایه به سمتی حرکت می‌کند که از ثبات اقتصادی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری برخوردار باشد. اما در اقتصاد ایران، به‌ویژه طی هفت تا ۱۰ سال گذشته، کسری بودجه دولت‌ها موجب شده است که در مقاطع مختلف، سیاستگذاران برای تامین منابع مالی سراغ صنایع و شرکت‌ها بروند.

این رویکرد معمولا از طریق تغییر دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و مقرراتی دنبال می‌شود که در نهایت بخشی از منابع و سود شرکت‌ها را به سمت دولت هدایت می‌کند. از آنجا که بخش قابل توجهی از شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، دولتی یا شبه‌دولتی هستند، تصمیمات دولت تاثیر مستقیمی بر عملکرد و چشم‌انداز سودآوری آنها دارد. همین مساله باعث شده است که سرمایه‌گذاران در مقاطع مختلف، حتی پس از مشاهده نشانه‌های ارزندگی و بهبود عملکرد بنیادی شرکت‌ها، نسبت به ورود سرمایه جدید به بورس تردید داشته باشند.

نمونه‌های متعددی از این وضعیت در سال‌های گذشته قابل مشاهده است. یکی از این موارد، تصمیمات مربوط به ممنوعیت صادرات برخی مقاطع فولادی و شمش در مقطع آغاز جنگ روسیه و اوکراین بود؛ تصمیمی که به شرکت‌های فعال در این حوزه آسیب وارد کرد و بر وضعیت بازار سهام نیز اثر گذاشت.

نمونه دیگر به اتفاقات اردیبهشت سال ۱۴۰۲ بازمی‌گردد. در شرایطی که بازار سرمایه پس از تجربه ریزش سنگین سال ۱۳۹۹ به تدریج در مسیر بازیابی قرار گرفته بود، ناگهان موجی از فشار فروش و تشکیل صف‌های فروش در بازار شکل گرفت. در ادامه و طی خردادماه، انتشار خبر ابلاغ دستورالعملی جدید برای صنعت پالایش، نگرانی‌هایی درباره کاهش سودآوری شرکت‌های این گروه ایجاد کرد. این اتفاق بار دیگر نشان داد که چگونه یک تصمیم سیاستی می‌تواند فضای اعتماد شکل گرفته در بازار را تحت تاثیر قرار دهد.

در ماه‌های اخیر نیز صنعت پالایش با چالش مشابهی مواجه شده است. از تابستان، نگرانی‌هایی درباره کاهش یا حذف تخفیف‌های در نظر گرفته شده برای شرکت‌های پالایشی مطرح بود. همین موضوع باعث شد نسبت قیمت به درآمد بسیاری از نمادهای این گروه در سطوح پایینی قرار بگیرد. تحلیلگران نیز با وجود تایید ارزندگی سهام پالایشی، همواره احتمال تغییر دستورالعمل‌ها و کاهش سودآوری آتی را به عنوان یک ریسک مهم مطرح می‌کردند.

با این حال، نکته نگران‌کننده در دستورالعمل جدید، اضافه شدن بندی با عنوان «شرایط اضطرار» است؛ بندی که تشخیص و اعمال آن در اختیار نهادهای وابسته به دولت، از جمله وزارت نفت و پالایش و پخش قرار گرفته است. مساله اصلی اینجاست که چارچوب دقیق و محدوده مشخصی برای شرایط اضطرار تعریف نشده و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز نگرانی سرمایه‌گذاران درباره احتمال مداخله‌های ناگهانی در آینده باشد. اثر انتشار این دستورالعمل نیز به سرعت در معاملات نمایان شد. صنعت پالایش که یکی از سه صنعت بزرگ بازار سرمایه از نظر ارزش و میزان اثرگذاری بر شاخص بورس محسوب می‌شود، با فشار فروش مواجه شد. حتی با گذشت حدود دو هفته از بازگشایی نمادها، همچنان بسیاری از سهام این گروه با معاملات منفی و صف‌های فروش دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

نکته مهم دیگر، تاثیر این اتفاق بر صندوق‌های بازنشستگی است. بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌های پالایشی در سبد سرمایه‌گذاری صندوق‌هایی مانند تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی صنعت نفت و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح قرار دارد. بنابراین افت ۲۰ تا ۳۰ درصدی ارزش برخی نمادهای این صنعت، تنها به سهامداران حقیقی محدود نمی‌شود و می‌تواند زیان قابل توجهی به دارایی این صندوق‌ها وارد کند. در واقع، ممکن است دولت تصور کند از محل تغییر سیاست‌ها منابع بیشتری به دست می‌آورد، اما کاهش ارزش دارایی صندوق‌های بازنشستگی می‌تواند هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر برای اقتصاد ایجاد کند.

از سوی دیگر، راهکار منطقی‌تری نیز برای مدیریت منابع وجود داشت. شرکت‌ها می‌توانستند سود خود را مطابق روال معمول شناسایی کنند و پس از ورود به مجمع، آن را میان سهامداران تقسیم کنند؛ در این صورت دولت نیز متناسب با سهام خود از سود تقسیمی بهره‌مند می‌شد، بدون آنکه اعتماد سرمایه‌گذاران و ارزش بازار شرکت‌ها با چنین آسیبی مواجه شود.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۳

کالابرگ؛ آزمون دولت برای حفظ تاب‌آوری معیشتی



مجید شاکری

در شرایطی که اقتصاد ایران همزمان با پیامدهای جنگ، افزایش قیمت ارز، فشارهای تورمی و محدودیت منابع مالی دولت مواجه است، حمایت از معیشت خانوارها دیگر صرفا یک سیاست رفاهی نیست، بلکه بخشی از الزامات حفظ ثبات اجتماعی و تاب‌آوری ملی به شمار می‌رود. در چنین وضعیتی، طرح کالابرگ الکترونیکی می‌تواند فراتر از یک ابزار توزیع اعتبار برای خرید کالاهای اساسی عمل کند و به زیرساختی برای مدیریت زنجیره تامین و کنترل تورم در گروه‌های کالایی مرتبط با زندگی روزمره مردم تبدیل شود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که مواد غذایی و آشامیدنی طی سال‌های متمادی همواره یکی از پیشران‌های اصلی تورم در اقتصاد ایران بوده‌اند. این گروه کالایی از یک سو سهم بالایی در سبد هزینه خانوار دارد و از سوی دیگر، افزایش قیمت آن مستقیما بر کیفیت زندگی و قدرت خرید مردم اثر می‌گذارد. بنابراین هر سیاستی که بتواند دسترسی خانوارها به کالاهای ضروری را سامان دهد و همزمان از بی‌ثباتی قیمت‌ها در این گروه جلوگیری کند، می‌تواند نقش مهمی در مدیریت فشارهای معیشتی داشته باشد. کالابرگ از این منظر ظرفیت قابل توجهی دارد. اگر این طرح به درستی طراحی و اجرا شود، دولت می‌تواند از طریق آن علاوه بر حمایت از قدرت خرید خانوارها، اطلاعات و سازوکارهای لازم برای مدیریت زنجیره تامین کالاهای اساسی را نیز در اختیار داشته باشد. چنین ظرفیتی به سیاستگذار اجازه می‌دهد ارتباط میان اعتبار تخصیص‌یافته به خانوار، میزان تقاضا و وضعیت عرضه کالاها را بهتر مدیریت کند. در واقع، کالابرگ نباید صرفا به پرداخت اعتباری برای خرید محدود شود، بلکه می‌تواند ابزاری برای مداخله هدفمند در بازار کالاهای ضروری باشد. با این حال، مهم‌ترین مساله در شرایط فعلی، پایبندی دولت به تعهدی است که همزمان با حذف ارز ترجیحی در برابر مردم شکل گرفت. در آن مقطع مقرر شد معادل تغییرات قیمت ارز، به عنوان اعتبار کالابرگ در اختیار خانوارها قرار گیرد. این تصمیم را می‌توان نوعی قرارداد اجتماعی میان دولت و مردم دانست؛ قراردادی که بر اساس آن، قرار بود آثار تغییر سیاست ارزی بر معیشت خانوارها از طریق حمایت مستقیم جبران شود. بنابراین تاخیر طولانی در افزایش اعتبار کالابرگ یا تعریف مکرر آزمون‌های جدید برای شناسایی مشمولان، با منطق این تعهد سازگار نیست. البته ممکن است دولت برای افزایش اعتبار کالابرگ به دنبال بازنگری در گروه‌های دریافت‌کننده و حذف برخی خانوارهای پردرآمد باشد تا منابع بیشتری به دهک‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر اختصاص پیدا کند.

ادامه در صفحه ۳

آگهی مناقصه انجام خدمات پشتیبانی
به شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۰۱۰۶۵۰۰۰۰۰۸
شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران در نظر دارد....
م الف ۲۶۵۰ شناسه ۲۳۱۹۸۳۵ | شرح در صفحه ۸

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست
مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.